

Analysis and Study of the Methods of Monotheistic Doctrinal Education and its Philosophical Foundations in the Holy Quran

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Ashraf Sadat Hosseini Mirsafi¹,
Saeed Beheshti^{2*},
Alireza Asareh³

How to cite this article

Ashraf Sadat Hosseini Mirsafi, Saeed Beheshti, Alireza Asareh, Analysis and Study of the Methods of Monotheistic Doctrinal Education and its Philosophical Foundations in the Holy Quran, Journal of Quran and Medicine. 2020;5(1):84-92.

1. PhD student in Philosophy of Education, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature, Social Sciences and Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
3. Associate Professor, Department of Curriculum Studies, Tarbiat Dabir Shahid Rajaei University, Tehran, Iran

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: beheshti@atu.ac.ir

Article History

Received: 2020/01/15
Accepted: 2020/04/27
ePublished: 2020/05/19

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study is to analyze and study the methods of recognizing and believing in monotheism based on its philosophical foundations in the Holy Quran.

Materials and Methods: This research is in the line of applied research and is a qualitative research. The research method is analytical-inferential. After referring to the Holy Quran and extracting the methods of religious education and philosophical foundations under the axes of proving the existence of God, explaining monotheism (intrinsic, attributes, actions, worship, legislation), communication with God and forbidding association with deniers of God

Findings: The research findings are: Methods: Awakening of nature, creating questions, reminders, explanations, examples, verses, compilations, historical, allegories, good debate, oratory, dialogue, questioning and philosophical principles: the divinity of human nature, forgetfulness Rebellion, weak creation, inherent dependence on the occurrence and survival and acceptance of God as Creator and eternity and eternity and His oneness and closeness to us and that the judgment is only from God was achieved.

Conclusion: The findings of this study can be used in order to apply in education, especially religious education, and in order to strengthen the beliefs of educators and deal with doubts.

Keywords: Educational Method, Doctrinal Education, Monotheism, Philosophical Principles, Quran

تحلیل و بررسی روش های تربیت اعتقادی توحید و

مبانی فلسفی آن در قرآن مجید

اشرف السادات حسینی میرصفی^۱

دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات، علوم اجتماعی و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سعید بهشتی^{۲*}

استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

علیرضا عصاره^۳

دانشیار، گروه مطالعات برنامه درسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش، تحلیل و بررسی روش های شناخت و باورمندسازی توحید براساس مبانی فلسفی آن در قرآن مجید می باشد.

مواد و روش ها: این پژوهش در ردیف پژوهش های کاربردی و از نوع پژوهش کیفی میباشد. روش پژوهش، تحلیلی-استنباطی است. پس از مراجعه به قرآن مجید و استخراج روش های تربیت اعتقادی و مبانی فلسفی ذیل محورهای اثبات وجود خدا، تبیین توحید (ذاتی، صفاتی، فعالی، عبادی، تشریحی)، ارتباط و انس با خدا و نهی از معاشرت با منکران خدا.

یافته ها: یافته های پژوهش عبارتند از: روشهای: بیدار نمودن فطرت، ایجاد سوال، تذکر، تبیین، مثالی، ایاتی، تلفیقی، تاریخی، تمثیلی، جدال احسن، خطابی، گفتگویی، پرسشی و مبانی فلسفی: الهی بودن فطرت انسان، فراموشکاری، طغیانگری، ضعیف خلق شدن، وابستگی ذاتی در حدود و بقا و پذیرش خدا به عنوان خالق و ازلی و ابدی بودن و یکنایی و نزدیکی او به ما و اینکه، حکم فقط از طرف خداست به دست آمد.

نتیجه گیری: از یافته های این پژوهش می توان به منظور کاربست در تعلیم و تربیت به ویژه تربیت اعتقادی و در راستای تقویت بنیه های اعتقادی متربیان و مقابله با شبهات، بهره جست.

واژه های کلیدی: روش تربیتی، تربیت اعتقادی، توحید، مبانی فلسفی، قرآن مجید

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۸

* نویسنده مسئول: beheshti@atu.ac.ir

مقدمه

توحید، (خداشناسی و خداباوری)، یکی از مهمترین موضوعاتی است که بشر با آن مواجه است و از جایگاه و ارزش بالایی برخوردار است. امیرالمومنین علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «أول الدین معرفتُهُ سر آغاز دین (شناخت او) خداشناسی است. (۱) هر که خدا را شناخت، معرفتش کامل گشت. (۲).

یکی از ارکان مهم اصول اعتقادی دین مبین اسلام توحید و خداباوری است. خداباوری از جمله دغدغه های مهم مربیان دینی و دست اندرکاران تعلیم و تربیت، به ویژه تعلیم و تربیت اسلامی می باشد. تلاش ها و مجاهدت های مربیان دینی با روش مندی های متبحرانه ای میتواند در دل های متربیان، تاثیر گذار باشند. هدف نهایی تربیت اعتقادی توحیدی معرفت خداوند است. از مهمترین آثار اعتقاد به توحید؛ احساس مسئولیت و تعهد اخلاقی است که موجب می شود فرد مسلمان احساس مسئولیت و تعهد اخلاقی در برابر تکالیف الهی پیدا کند و این حس اولین نشانه و اثرش التزام قلبی به انجام تکالیف و دستورات الهی می باشد. نوع دوستی یکی از آثار اعتقاد به توحید است. متربی با داشتن چنین حسی هرگز به دنبال خودپرستی و تعصب های نژادی و قبیله ای و یا مال و ثروت و همسر و فرزند نخواهد بود. همبستگی و وحدت جمیع ملت ها و نیز رسیدن به مقام اخلاص باعث اتصال به خداوند و به واسطه رسیدن به عالی ترین درجه اخلاص است. اعتقاد به توحید بر مبانی فلسفی چون؛ «انسان دارای فطرت الهی است»، «خداوند بی نیاز و انسان نیازمند است»، «انسان چون خود را بی نیاز بیند، طغیان می کند» و «انسان تنها با یاد خدا آرامش می گیرد»... استوار است و این مبانی با محوریت خداشناسی، جهان شناسی و انسان شناسی، از قرآن مجید استخراج شده است و به عنوان مبنا برای مدلولات آنچه ذیل اصول اعتقادی برای شناخت و باورمند سازی آمده است، در نظر گرفته شده است. با بهره گیری از مبانی فلسفی به تدوین روش ها و در پایان نتایج کاربردی و اعتقادی آنها پرداخته شد. بعد از مبانی فلسفی و برای تکمیل محور اعتقادی متربی به روشها و شواهد قرآنی پرداخته شد. این روشها عبارتند از؛ تذکر، تبیینی، تاریخی (انفسی) و تمثیلی (مثل)، جدال احسن، پرسشی و گفت و گویی... در این پژوهش به تحلیل و بررسی روش های تربیت اعتقادی شناخت و باورمندسازی توحید بر اساس مبانی فلسفی آن در قرآن مجید پرداخته شده است؛ و برای دستیابی به چنین هدفی این دو پرسش طرح شد: ۱- مبانی فلسفی روش های شناخت و باورمندسازی توحید کدامند؟ ۲- نتایج کاربردی روش های شناخت و باورمندسازی توحید کدامند؟

مواد و روش ها

روش این پژوهش، تحلیلی - استنباطی است. این پژوهش در ردیف پژوهش های کاربردی و از نوع کیفی است. پژوهشگر می تواند با توجه به نتایج به تفسیر یافته ها بپردازد. در پاسخ به سوالات پژوهش، ابتدا با مراجعه به قرآن مجید و مبنا قرار دادن آن، به گرد آوری شواهد و مستندات قرآنی مرتبط، اقدام گردید؛ و همزمان با تهیه نقشه اجرایی پژوهش به گردآوری مطالب مرتبط به آن اقدام شد و آیات انتخاب شده در ذیل مباحث، مورد توجه و بررسی برای استخراج روش ها و مبانی قرار گرفت.

یافته ها

۱- روش های اثبات وجود خدا
اولین گام در شناخت خدا و سپس ایمان و باور به او، مسئله اثبات وجود خدا است. در قرآن مجید، خداوند سرچشمه کل هستی و مبدا تمام موجودات است.
إِنَّا لِلَّهِ (سوره بقره، آیه ۱۵۶) ما از آن خدا هستیم.

• فَاقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِن أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سوره روم، آیه ۳۰)

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

این آیه به آیه فطرت معروف است و موضوع آن اعتقادی است و درباره گرایش فطری انسان به دین می باشد. بدیهی بودن، یکی از مهمترین ویژگی های فطرت خدانشناسی است.

از بین روش های اثبات وجود خداوند، راه فطرت و تبیین فطری بودن گرایش به خدا (مبدأ جهان) از همه راهها، ساده تر و عمومی تر می باشد. انسانها در بینش های فطری خود اختلافی با هم ندارند. به همین خاطر، خداوند برای هدایت بشر و از بین بردن حجاب های ظلمت، رسولان ظاهری، پیامبران و امامان علیهم السلام و رسول باطنی عقل را فرستاده تا آنان را به سوی حق، رهنمون باشند در اینجا به موضوعات دیگری از فطرت، به منظور تبیین فطری بودن خدانشناسی و خداگرایی در انسان اشاره می کنیم

۱-۱: فراموش کاری انسان: با وجود حجاب و زنگارهای فطری بر انسان معلوم می شود که انسان در دورانیهای دچار فراموشی و نسیان می شود. فراموش کردن آفرینش اولیه خداجویی فطری حتی در مشرکان (عارض شدن فراموشی) نهی از فراموشی خدا و عقوبت آن (غبار غفلت بر فطرت) فراموش شدن انسان از طرف خدا به واسطه فراموشی خدا است «انسان فراموشکار است و از عزم و اراده محکمی برخوردار نیست» و مبنای «انسان شناسی» آنرا تکمیل می کند.

• وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلِ فَتَسَىٰ وَوَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (سوره طه، آیه ۱۱۵)

و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم، ولی آن را فراموش کرد و برای او عزمی استوار نیافتیم.

در تفسیر این آیه چنین آمده است که: «آدم، عهد الهی را فراموش ساخت و اینکه خداوند با او عهد بسته بود که به درخت ممنوعه نزدیک نشود، اما او نزدیک شد و از آن درخت خورد و یکی از دلایل نامیدن آدمی به «انسان» می‌تواند ناظر به نسیان او باشد.»

در این آیه مراد از عهد و پیمان «همان فرمان نخوردن از گیاه مخصوص است و مراد از نسیان، دقت نکردن در انجام فرمان، و گرنه فراموشی مطلق، عتاب و انتقاد ندارد و منظور از «عزم»

اراده محکم در برابر وسوسه های ابلیس است.» (۵)
• وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (سوره حشر، آیه ۱۹)

و چون کسانی، مباحثید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند.

با تأمل در این آیه در می‌یابیم که خداوند، عده ای از فراموش کنندگان را، به عنوان نمونه می آورد و می فرماید: مثل آن‌ها نباشید. در این آیه، (و لا تكونوا) پیام هشدار دهنده است. «مومنان در معرض غفلت از یاد خدا هستند و ثمره غفلت از یاد خدا، گناه و انحراف است.» (۵) همچنین آیه به این اشاره می‌کند که خداوند با یادآوری فراموشی خدا در دیگران و بیان عقوبت آن، فراموشی خدا را به یاد می‌آورد

• قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَيْنَا نَفْسَيْهَا ۗ وَكَذَٰلِكَ الْيَوْمَ تَنسَىٰ (سوره طه، آیه ۱۲۶)

می‌فرماید: «همان طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش می‌شوی.» فراموش شدن انسان از طرف خدا به واسطه فراموش کردن خدا، عقوبتی است که در این آیه، به خاطر عدم توجه به آیات، به وجود آمده است.

برای اثبات وجود خدا، راههای گوناگونی ذکر شده است. یکی از موضوعاتی که ما را به رساندن روش های اثبات وجود خدا هدایت می کند مفروض دانستن اصل وجود خداست.

الف: مفروض دانستن اصل وجود خداوند

با توجه به فطری بودن شناخت خداوند به اقتضای فطرت پاک انسانی اصل وجود خداوند، مفروض است و انسان بدون هیچ گونه آموزشی قادر است به واسطه شناخت ها و گرایش های فطری و درونی خود به شناخت جهان آفرینش و آفریننده ی آن بپردازد. فطرت، معرفت و گرایش درونی انسان نسبت به خداست. خضوع و خشوع درونی در برابر وجودی برتر و خالق قادر و متعالی است. گزاره «انسان دارای فطرت الهی است» با مبنای «انسان شناسی» تکمیل می گردد.

«دیدگاه قرآن در دعوت به توحید بر مبنای فطرت بوده و اصلی ترین طریق شناخت خدا، رجوع به فطرت پاک انسانی است.» (۳)

• فَاقِمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ۚ لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِن أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سوره روم، آیه ۳۰)

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. «در این آیه شریفه، به کیفیت سرشت انسان، فطرت اطلاق شده است که در اینجا، به معنای نوع خاصی از خلقت است. یکی از ساده ترین راههای خداباوری توحیدی به متریبان بیدارنمودن فطرت آنان است. این روش به عنوان مهمترین روش در تبیین، شناخت و تعمیق اصول عقاید و در اینجا در اصل توحید می توان از آن بهره جست. روش بیدار نمودن فطرت به دلیل نداشتن هرگونه جبر و تحمیل، از تاثیرپذیری بالایی برخوردار است. این است که خداوند، انسانها را بر اساس شناخت خود آفرید و اگر این گونه نبود، مردم نمی دانستند پروردگار و رازقشان کیست.

طرح سوال دومین روش در این قسمت است و بسیاری از آیات قرآنی با این روش سؤال کرده اند و به حکم فطرت پاسخ داده اند.

داستان حضرت ابراهیم (ع) و شکستن بت ها و متوجه کردن بت پرستان به فطرت شان نمونه ای از توحید فطری و اعتراف به وجود خداوند است و در این مرحله به معنای وابستگی ذات انسانی است. کافی است که انسان زنگار عالم طبیعت را که یرده غفلت اوست، از صفحه دل بشوید» (۴)؛ و با چشم بصیرت به ضعف و فطرت خود بنگرد. بسیاری از آیات قرآن مجید با روشهای ذکر شده از اعتقاد به وجود خداوند، سؤال کرده اند و به حکم فطرت پاسخ داده اند. «نور فطرت، یکی از نعمت هایی است که باید شکر آن را بجا آوریم.» (۵). اینکه انسان به حکم فطرت بر خالق پدیده های هستی (باران، بهار و ...) اعتراف می کند. شکی

در آن نیست که انسان بالفطره خدانشناس است. ولی فطرت باید با تعقل و اندیشه همراه باشد تا بتواند انسان را نجات دهد. آثار تربیت اعتقادی فرض بودن وجود خدا بعنوان یک اصل این است که متربی به فطرت وجودی خویش آگاه است و می داند به حکم این اصل همه انسانها این ویژگی و یتانسیل را دارند که خدانشناسی و حق گرایی را در خود باز یابند و وجود خود را از نور فطرت آراسته کنند تا از بیشتر نایاکیها و آلودگیها بدور باشند.

ب: راههای روشن و قابل فهم اثبات وجود خدا

استاد مطهری، راههای اثبات وجود خدا را در سه بخش زیر دسته بندی کرده است: (۶)

۱. راه فطرت: کلمه فطرت، دلالت بر نوع ویژه می کند. در قرآن، تنها یک بار استعمال شده است (سوره روم، آیه ۳۰) و به معنای سرنوشت خاص و آفرینش ویژه انسان است و امور فطری یعنی آنچه که نوع خلقت و آفرینش انسان، اقتضای آن را داشته باشد.» (۷).

سمت خدا در مواقع خطر، وجود ناملازمات و ترس، از قرآن مجید گرفته شده است.

... • وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا (سوره نساء، آیه ۲۸)

و می‌داند که انسان، ناتوان آفریده شده است.

علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

«بیچاره فرزند آدم! اجلس پنهان، بیماری هایش پوشیده، اعمالش همه نوشته شده، پشه ای او را آزار می‌دهد، جرعه‌ای گلوگیرش شده، او را از پای در می‌آورد و عرق کردنی او را بدبو سازد.»

(۱)

• أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (سوره مرسلات، آیه ۲۰)

مگر شما را از آبی بی‌مقدار نیافریدیم؟

• فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (سوره مرسلات، آیه ۲۱)

پس آن را در جایگاهی استوار نهادیم.

پس: بی‌نیازی خداوند و نیازمندی انسان،

- طغیان کردن انسان در مواقعی که خود را بی‌نیاز می‌بیند،

- ضعیف خلق شدن انسان

به عنوان مبانی مهم فلسفی، برای روش‌هایی که در این قسمت آمد؛ تذکری، مثالی، تبیینی، تلقینی (تبیینی-یرششی) به منظور تبیین فطری بودن گرایش به خدا و خدایرستی انسان که نشانه آن، روی آوری به خدا در نیاز و ترس و سختی است و طغیان و سرکشی او در احساس بی‌نیازی و ضعف و ناتوان بودن انسان است. مبانی فلسفی برگرفته از قرآن مجید یستوانه ای برای روش های مذکور در تبیین گرایش های فطری خدا جویانه انسان است. آثار تربیت اعتقادی نشأت گرفته از مبانی تغییر پذیری انسان بطور اعم و متربی بطور اخص درمی یابد که چگونه در برابر این شرایط متغیر بر بی‌نیازی خدا خویش و فقیر وضعیف بودن خویش پافشاری کند و به خود و دیگران نشان دهد که در شرایط بحران و بی‌نیازی سعی می‌کند طغیان نکند و به فطرت خداگرایی خویش متعهد باشد و در زمان بی‌نیازی شکر نعمتهای خویش باشد و با توجه به خصلت فطرت خداجویی خود و با اراده خویش در مقابل رویکردهای موقتی ایستادگی کند و قدرت عقلانی خود را برای تشخیص خوب یا بد بودن آن بکاربرد تا نتیجه مطلوب از آن حاصل شود.

۳-۱: محبت و رابطه انسان و خدا. در این قسمت، سومین محور

از محور های تبیین فطرت خداجویی در انسان که ذیل «راه فطرت» به عنوان یکی از راههای ساده خدانشناسی آمده است، معرفی می‌شود. «انسان، تنها با یاد خدا، آرامش می‌گیرد» به عنوان یک مبنا فلسفی «انسان شناسی» شناخته شده است. این مبنا و شواهد قرآنی نشان می‌دهد که چگونه این ارتباط عاطفی و محبت، می‌تواند وجود فطرت خدایشناسی را در انسان ثابت کند.

• وَأَعْلَمُوا أَنْ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ ۗ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنْ أَمْرٍ لَعَتَمْتُمْ ۚ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ ۖ الْأَيْمَانَ ۖ وَرَبَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ ۖ وَكَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (سوره حجرات، آیه ۷)

و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست. اگر در بسیاری از کارها از رأی و میل شما پیروی کند، قطعاً دچار زحمت می‌شوید، لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما آراسته نمود و کفر و بلبدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان که چنین‌اند ره یافتگانند.

در این آیه، خداوند به محبوب شدن ایمان در قلوب مؤمنین اشاره کرده‌است. هر کس که چنین باشد چون به اقتضای فطرتش رفتار می‌کند لذا به هدایت و رشد دست پیدا می‌کند.

• أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (سوره رعد، آیه ۲۸)

همان کسانی که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

بی‌تردید، یاد خدا و محبت به او، آرامش بخش دل انسان است و او که بدون آموختن و یاد گرفتن و فقط با یاد او در قلبش برقرار

امام صادق (ع) درباره جمله «أتتك آياتنا» فرمود:

«امامان معصوم، آیات خدا هستند و کسی که آنان را ترک کند، روز قیامت در آتش رها خواهد شد.» (۸)

با توجه به مبنا و شواهد قرآنی روشهایی چون: تذکر، مثالی و تمثیل از روش‌هایی است برای متذکر شدن به بیروان. قرآن مجید با توجه این ویژگی همیشه به مسلمانان به شیوه تذکره و مذکر بودن پیامبر (ص) هشدار می‌دهد اثر تربیتی که این روش و مبنا و شواهد قرآنی برای متربی دارد این است که؛ متربی به اوامر و دستورات الهی بی‌اعتنایی نمی‌کند زیرا با فطرت خود دریافته است که تمام اوامر الهی برحق است و سرپیچی از دستورات عقوبت سختی دارد و در کنار آن انجام اوامر الهی پاداش دارد؛ زیرا خداوند برحق است و برای هر عمل خیر و شری پاداش و مکافات گذاشته است.

۲-۱: تغییر پذیری انسان. موضوع تغییر پذیری عواملی چون ترس و قطع امید از علل مادی، تصریح به درگاه خدا در مواقع سلب نعمت، گرایش به خدا در اضطراب و احساس خطر، گرایش به خدا در درماندگی و خطر و گرایش به خدا در مشکلات و سختی‌ها را در شرایط متفاوت و واکنشهای مختلف را برای انسان بوجود می‌آورد.

• فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (سوره عنکبوت، آیه ۶۵)

و هنگامی که بر کشتی سوار می‌شوند، خدا را یاکدلانه می‌خوانند، ولی چون به سوی خشکی رساند و نجاتشان داد، بناگاه شرک می‌ورزند.

از این آیه می‌توان دریافت که «اعتقاد به خداوند در فطرت انسان، ریشه دارد و با قطع امید از علل مادی، پرده غفلت، کنار می‌رود.

«انسان معبود فطری را مشاهده می‌کند و از او یاری می‌طلبد.»

(۹)، ترس و قطع امید و یا ناامیدی، انسان را به خدا نزدیک می‌کند و زمانی که این حالت ترس برطرف شد، مجدداً از درگاه خدا رویگردان می‌شوند.

• يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (سوره فاطر، آیه ۱۵)

ای مردم، شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است. ... • فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (سوره آل عمران، آیه ۹۷)

یقیناً خداوند از جهانیان بی‌نیاز است. «نیازمندی انسان و بی‌نیازی خدا از تمام جهانیان» در این آیه به صراحت آمده است. نتیجه این آیه به عنوان مبنا فلسفی «انسان شناسی» موضوع تغییر پذیری انسان در نظر گرفته شده است.

چنین نیست که انسان با برخوردار از نعمت های الهی مانند تعلیم به قلم و تعلیم از طریق وحی، شکرگزار او شود بلکه به جای شکر، طغیان می‌کند و یا را از گلیم خویش فراتر می‌نهد. قرآن علت طغیان انسان را بیان می‌کند. نمی‌گوید بی‌نیاز می‌شود بلکه می‌فرماید: بی‌نیاز می‌بیند تا اشاره کند که انسان و هیچ مخلوقی هرگز بی‌نیاز نمی‌شود و همواره محتاج لطف خداست. طبیعی است کسی که خود را محتاج نمی‌بیند، هرگز به یاد خدا و شکر نعمت هایش نمی‌افتد. لذا به تدریج، خدا را فراموش می‌کند تا سرانجام سر به طغیان بر می‌دارد. «(۱۰) انسان چون خود را بی‌نیاز ببیند، طغیان می‌کند»

• كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ طَافٍ (سوره علق، آیه ۶)

حقاً که انسان سرکشی می‌کند،

• أَنْ رَأَى اسْتَعْنَى ۗ (سوره علق، آیه ۷)

همین که خود را بی‌نیاز ببیند.

«انسان ضعیف خلق شده است.» این گزاره با شواهد قرآنی به‌عنوان مبنا فلسفی «انسان شناسی» در محور گرایش فطری انسان به

راهی است که ما را به خداوند متعال و سرچشمه هستی، رهنمون می کند.

• وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْهَارًا ۚ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ ۚ يُغْشِي اللَّيْلُ النَّهَارَ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (سوره رعد، آیه ۳)

و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن، کوهها و رودها نهاد و از هر گونه میوه ای در آن، جفت جفت قرار داد. روز را به شب می پوشاند. قطعاً در این امور برای مردمی که تفکر می کنند نشانه هایی وجود دارد. مبنای دیگری که از برهان نظم میتوان استخراج کرد؛ «طبیعت، آیت الهی است» این گزاره نیز از «جهان شناسی- هستی شناسی» برگرفته از آیات قرآنی است که به خلقت آسمان ها و زمین اشاره دارد.

• وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتِ ۚ

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّعَالَمِينَ

(سوره روم، آیه ۲۲)

و از نشانه های قدرت او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شمس است. قطعاً در این امر نیز برای دانشوران نشانه هایی است.

• وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (سوره دخان، آیه ۳۸)

و آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازی نیافریده ایم.

یعنی قطعاً هدف و مقصودی از این خلقت و نظم وجود داشته است "هستی هدفدار است و هدف آن، جز حق نیست" (۵)

روش تبیینی (آیاتی - آفاقی) روشی است که بر اساس آن شواهد قرآنی برای برهان نظم استفاده شده است. هستی شناسی مقدمه خداشناسی است. تربیت اعتقادی برهان نظم به متریبان و پیروان خود می گوید که این جهان عبث آفریده نشده است. متربی در می یابد چون او جزوی از این هستی می باشد پس او هم عبث آفریده نشده است و سعی میکند به دنبال هدفهایی باشد که او را به اصل خود متصل کند و از حاشیه و دنیاپرستی بدور باشد.

۳-۲: برهان هدایت. بعد از بیان برهان خلق و نظم در اثبات وجود خدا به برهان هدایت می پردازیم. یکی دیگر از راههای ساده اثبات وجود خدا، راه مبتنی بر علم و تجربه است که برهان هدایت ذیل آن بحث می شود. با یک نگاه ساده به جهانی که در آن زندگی میکنیم به این حقیقت میرسیم که جهان هستی، اتفاقی نیست بلکه تمام پدیده ها، با یک نظم خاصی، به سوی مقصد معینی در حرکت اند. برهان هدایت نشان می دهد که طرز کار اشیاء، نتیجه ی جبری ساختمان مادی موجودات نیست. بلکه یک جاذبه و کششی وجود دارد که همان جاذبه و کشش، اشیا را در مسیری که میروند هدایت می کند. «خداوند، خالق و هدایت کننده تمام هستی است». این گزاره، به عنوان مبنای فلسفی «خداشناسی» است. روش تبیینی (آیاتی - انفسی) در برهان هدایت از جمله راههای مبتنی بر علم و تجربه - شبه فلسفی اثبات وجود خدا می باشد.

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ (سوره طه، آیه ۵۰)

موسی یاسخ داد که خدای ما آن کسی است که همه موجودات عالم را نعمت وجود خاص خودش بخشیده و سپس به راه کمالش هدایت کرده است.

گفت: «پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است.

«برهان هدایت، به نوع رشد و تکامل موجودات زنده، توجه می کند که گویی دستی از ماورا، آنها را در مسیر معینی پیش می برد.» (۶)

می شود، نشان از فطری بودن این کشش و جاذبه است. روش تبیینی (آیاتی-انفسی) در موضوع محبت خداوند و زینت بخشی قلوب با یاد او که بر فطری بودن خداشناسی و خداجویی دلالت دارد از قرآن مجید گرفته شده است.

در ادامه به آثار تربیت اعتقادی رابطه و محبت خدا و انسان اشاره کردیم؛ متربی در عین فطری بودن به گرایش های عاطفی نسبت به خدا، خود را فقیر و خدای خویش را غنی می داند و به او متوسل می شود و همین توسل به خالق خویش باعث آرامش درونی او می گردد. محبت به خداوند ایمان قلبی را در متربی ایجاد می کند. متربی در تلاطم سختی های زندگی با یاد او آرام می شود و می داند کسی هست که او را کمک کند و او تنها نیست؛ زیرا در قرآن شنیده است که ما از رگ گردن به شما نزدیکتریم.

۲: راه علمی و تجربی (شبه فلسفی): از دیگر راههای روشن اثبات وجود خدا راه علم و تجربه است. راه دوم که بر اساس علم و تجربه، پیش می رود خود به سه بخش، منشعب می شود؛ و با استناد به این سه بخش و روشهای مربوط به آن به نتیجه گیری آثار تربیت اعتقادی حاصل از آنها خواهیم پرداخت.

۱-۲: برهان خلق: اولین برهان، برهان خلق و ایجاد است. در خلق و ایجاد پدیده های هستی حدوث و پیدایش دیده می شود؛ به عبارت دیگر همه جهان هستی حادث است و خداوند قدیم مطلق که هر دو اینها در اثبات وجود خدا آورده شده است و این گزاره منبعت از برهان خلق «خداوند آفریدگار تمام هستی است» و

مبتنی بر «خداشناسی» ست.

• الَّذِي خَلَقَ قَسْوَىٰ (سوره اعلی، آیه ۲)

همان که آفرید و هماهنگی بخشید.

• بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (سوره بقره، ۱۱۷)

او پدید آورنده آسمانها و زمین است و چون به کاری اراده فرماید فقط می گوید موجود باش پس فوراً موجود می شود.

با تأمل در این آیه در می یابیم که:

آفرینش خداوند، همواره بدیع و ابتکاری است یعنی خداوند می تواند در یک لحظه، همه هستی را بیافریند (۵).

بنابراین او نیکو گرداننده ای است و همه آفریده های جهان تغییر پذیرند و هر تغییر پذیری حادث است. روشهای مربوط به این موضوع جدال احسن، آیاتی-آفاقی است برخی آیات در قرآن مجید به روش آیاتی و برخی به روش آفاقی به تبیین موضوعاتی در ابعاد مختلف و به منظور رسیدن به هدف تربیت و هدایت انسان پرداخته شده است. آثار تربیت اعتقادی این موضوع برای متربی این است که؛ متربی خود را ممکن الوجود میدانند و به عبارت دیگر عدم و هستی او برابر است پس خداوند قدیم می تواند در یک چشم بهم زدن جهانی یا پدیده ای را خلق کند و خلق انسان هم از این امر مستثنی نیست. متربی با شناخت این ویژگی در می یابد که هیچوقت نباید دچار غرور و فخرفروشی به همنوعان خود شود. او موجودی ترکیب از عدم و هستی است. شاید الان باشد و شاید الان و به یک چشم بهم زدن موجود نباشد.

۲-۲: برهان نظم: در قرآن مجید به بیان نظم و هماهنگی منسجم در طبیعت اشاره شده است. این برهان ما را به تأمل و سیر در پدیده های هستی برای درک وجود آفریننده ای توانا دعوت کرده است. با توجه به خلق مخلوقات، از قدیم بودن خداوند و حادث بودن انسان متوجه می شویم که همه جهان هستی با توجه به خدای قدیم و علیم، نظمی دارد و این نظم مبتنی بر برهان نظم است و این دلیل و برهان دیگری بر اثبات محکم وجود خداوند است. برهان نظم بر علم و تجربه استوار است. «طبیعت یک نظام یا سیستم منظم و هدفدار است». این گزاره به عنوان مبنای «خداشناسی» است.

برخی از آیات قرآن مجید ما را به تأمل و تفکر در نظم و هماهنگی در پدیده های گوناگون هستی دعوت میکنند این خود،

ذاتی در اینجا به خاطر زوجیت که مخصوص موجودات است، در خداوند راهی ندارد و یکی از عمیق ترین براهین است که می توان آن را مبنای برهان امکان و وجوب در نظر گرفت؛ و بر روش های تبیینی، آیاتی- انی، خطابی تاکید نموده است. آثار تربیت اعتقادی این برهان با توجه به اهمیت فلسفی آن نشان می دهد که متربی به ارزش وجودی خود پی برده است زیرا وجودش نمادی از خدا و قابل ارزش است اما در عین حال وابسته و فانی. پس متربی خود را موجودی نیازمند و وجود خدا را بی نیاز مطلق می داند.

۲-۳: برهان صدیقین

برهان صدیقین مدعی است خداوند را نه از معلول، بلکه از خودش باید شناخت. معلول نشان ضعف و ناقصی و علت نشان کمال و قوت است. برهان لمی استدلال از علت به معلول و برهان انی از معلول به علت در باب اثبات وجود خدا و تکمیل کننده برهان صدیقین است. به گفته علامه طباطبایی، معتبرترین و قوی ترین برهان برای رسیدن به خداست. قرآن مجید از طریق دعوت انسانها به سیر آفاقی (جهان بیرون) و سیر انفسی (جهان درون - نفس) از معلول به علت که همان خدای متعال است، رهنمون می سازد.

«خداوند ازلی و ابدی است» این گزاره «خداشناسی» به عنوان مبنای فلسفی برای در موضوع اثبات و شناخت خدا از طریق خدا، از قرآن مجید گرفته شده است.

• هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (سوره حدید، آیه ۳)

اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست.

در مورد آیه فوق در تفسیر جامع چنین آمده است.

-خداوند بر همه چیز محیط است و شناخت شیء محاط بدون محیط امکان پذیر نیست.

-سایر وجودها در پرتو وجود خداوند معنا پیدا می کند

-به هر سویی رو می کنیم، جلوه ای از خداست و خدا به همه چیز داناست.

با روشهایی چون تلفیقی (تبیینی - پرسشی)، آیاتی (انی- لمی) در موضوع اثبات و شناخت خدا در قرآن مجید بارها بیان شده است. تربیت اعتقادی این قسمت برهان صدیقین این است که متربی می داند هر معلولی در پدیده های طبیعت به دنبال علتی می آید و هرچه در زندگی فردی و اجتماعی متربی بوجود می آید بدلیل رفتارها و واکنشهایی بوده است که در گذشته انجام داده است. پس متربی سعی می کند اعمال و کردارهایی را انجام دهد که خداپسندانه و در راه کمک به هممنوعان خود باشد زیرا می داند زندگی عمل و عکس العمل است و به این موضوع اعتقاد قلبی دارد.

۲- روش های تبیین توحید (مراتب آن) و معرفی خدا

توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی، توحید عبادی و توحید شرعی.

الف- توحید ذاتی: اولین مرتبه از مراتب توحید است. «یکی از معانی توحید ذاتی، این است که ذات خداوند، تعدد و دوگانگی بر نمی دارد؛ و معنی دیگر آن اعتقاد به یگانه و بی همتا بودن خداوند و مثل و مانند و جایگزین نداشتن اوست» (۱۱). «خداوند یکتاست، خدا یکی است». این گزاره به عنوان مبنای «خداشناسی» توحید ذاتی در قرآن مجید بارها بیان شده است.

• قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (سوره اخلاص، آیه ۱)

یعنی: بگو خداوند یگانه است.

• وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (سوره اخلاص، آیه ۴)

یعنی: و هیچ کس همتای او نیست.

روش های تبیینی (آیاتی، لمی)، تلفیقی (آیاتی، آفاقی و انفسی) - پرسشی، گفت و گویی بیرونی درونی با شواهد قرآنی به بیان این توحید پرداخته است. این گفتگوهای قرآنی که مخاطب آنها، نفس انسان است و معمولا بین خدا و نفس انسان است و انسان را وادار به تفکر و اندیشه می کند و در واقع توصیه به گفت و گوی درونی دارد.

در تربیت اعتقادی نشأت گرفته از برهان هدایت و مبنای فلسفی آن میتوان اینگونه اشاره کرد؛ انسان بطور اعم و متربی بطور اخص به هدایت و تدبیر الهی معتقد و نیازمند است؛ زیرا انسان تمام و کامل نمی شود مگر به تدبیر پی در پی خداوند در اموراتش.

۳- راه فلسفی: راه سوم از راههای اثبات وجود خدا راه فلسفی است. متکلمان و فیلسوفان برای اثبات وجود خدا، به تدوین براهین مختلفی پرداخته اند. راه فلسفی، نیازمند مقدمات عقلی است. از آنجا که راه فلسفی، نیازمند به مقدمات عقلی است لذا به جایگاه عقل و برهان و حجت های عقلانی اشاره می شود. در قرآن مجید، خداوند متعال، انسان را، صاحب عقل و خرد، خطاب نموده است.

• قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (سوره بقره، ۱۱۱)

بگو: «اگر راست می گوئید، دلیل خود را بیاورید»

۱-۳: برهان وجوب و امکان سینوی: این برهان فلسفی آیاتی را از راه فنا و امکان اشیاء به وجود خدا استدلال می کند. موجودی که هست یا ممکن الوجود است یا واجب الوجود. اگر واجب الوجود هست پس قادر و غنی محض است و اگر ممکن الوجود است، باید به واجب الوجود منتهی شود. ممکن الوجود بودن انسان و نیاز و وابستگی دائمی اش به خدا، نشان دهنده و دلیل بر وجود صانع است. «وابستگی ذاتی همه موجودات در حدوث و بقا، دلیل بر وجود خداست» این گزاره «انسان شناسی - خداشناسی» که برگرفته از آیات قرآن مجید می باشد و به فقر ذاتی انسان و بی نیازی مطلق خدا، اشاره می کند؛ بنابراین اساس برهان امکان و وجوب وابستگی ممکنات به وجودی است که قائم بالذات باشد

• يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (سوره فاطر، آیه ۱۵)

ای مردم، شما به خدا نیازمندید و خداست که بی نیاز ستوده است.

«دعوت خدا از مردم، نشانه نیاز او به مردم نیست همانگونه که اگر گفتیم، مردم، خانه های خود را رو به خورشید بازند، این دعوت نشانه نیاز خورشید به ما نیست، بلکه نشانه نیاز ما به نور است.» (۵)

مقصود از این آیه، نیاز موجودات از همه جهات به ذات باری تعالی و وابستگی وجودی آنها به او است

• مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ ۚ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ۗ (سوره نحل، آیه ۹۶)

آنچه پیش شماست تمام می شود و آنچه پیش خداست پایدار است و قطعاً کسانی را که شکیبایی کردند به بهتر از آنچه عمل می کردند، پاداش خواهیم داد.

و آنچه نزد شماست به پایان می رسد و آنچه نزد خداست، باقی و پایدار می ماند و جز خدا، هیچ کس و هیچ چیز باقی نیست. (۵)

روش خطابی و تبیینی (آیاتی (انی) یا (جزئی به کلی - استقرائی) به منظور تبیین و خبر از یک موضوع مهمی و اعلام نتیجه یا خبر دیگری مخاطب خود را از آن مطلع و آگاه می سازد. روش معلول به علت خبر از فانی بودن موجودات می دهد و در واقع استدلالی است که مخاطب خود را اقناع می کند.

«فقر ذاتی کائنات در خلق زوجیت و فرار از فقیر به غنی (انسان به خدا) عمیق ترین برهان در اثبات وجود خداست. این گزاره «جهان شناسی» که به خلق زوجیت در هستی (کائنات) اشاره دارد از قرآن مجید گرفته شده است.

• وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (سوره ذاریات، آیه ۴۹)

و از هر چیزی دو گونه یعنی نر و ماده آفریدیم، امید که شما عبرت گیرید.

• فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ ۗ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (سوره ذاریات، آیه ۵۰)

پس به سوی خدا بگریزید، که من شما را از طرف او بیم دهنده ای آشکارم.

در سوره ذاریات و آیه ۴۹، زوجیت، موجودیت و کیان هر موجودی است جز خدای متعال، همچنین در آیه ۵۰ به فرار از موجود فقیر (انسان) به سوی غنی (خدا)، امر شده است؛ و این فقر

اگر در آنها (زمین و آسمان) جز خدا، خدایانی دیگر وجود داشت، قطعاً زمین و آسمان تباہ می‌شد. پس منزہ است خدا، پروردگار عرش، از آنچه وصف می‌کنند.

«آیا وجود خدایان را رد می‌کند و ثابت می‌کند الله، هم خالق و هم مدبّر عالم است. اگر فرض شود در آسمانها و زمین غیر از الله، رب های دیگری هستند حتماً باید بین آنها تفاوت ذاتی وجود داشته باشد و الاً چند خدا نمی‌شدند. برای توحید افعالی و بررسی شواهد قرآنی آن از روش تبیینی، تاریخی (آفاقی - انفسی)، پرسشی و طرح سؤال مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تربیت اعتقادی که می‌توان از این موضوع و مبنای فلسفی آن گرفت این است که با پرسشگری و طرح سوال می‌توان با چالش های متعددی در زندگی روبرو شد. با سوالات متعدد می‌توان ذهن فراگیر را به چالش کشید تا با تفکر در آیات قرآنی و عکس العمل آن در زندگی، تشخیص راه را بر خود آسان کنند. آثار تربیت اعتقادی در این قسمت نشان می‌دهد که متربی از شواهد قرآنی در می‌یابد که خداوند تدبیرگر این جهان و آن جهان است و در همه امور اختیار و اراده افعالی دارد. متربی در می‌یابد علاوه بر تلاش و هدفگذاری که خود در این جهان برای زندگی خود انجام می‌دهد کسی دیگری نیز هست که بر زندگی او نظارت و رفت و آمد دارد تا متربی خود را تنها احساس نکند.

ت: توحید عبادی. «توحید عبادی به این معناست که غیر از خدا معبودی نیست و فقط خدا شایسته عبادت است.» (۱۲). توحید در عبادت از نوع "توحید عملی" است. این موضوع با توجه به مبنای فلسفی «راز آفرینش انسان، در پرستش و عبادت خداست» (انسان شناسی - خداشناسی)

• شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (سوره آل عمران، آیه ۱۸)

خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست؛ و فرشتگان او و دانشوران نیز گواهی می‌دهند که: جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست.

در این آیه، اقامه شهادت کرده است بر نداشتن خداوند به شریک در عبادت و بی‌نیاز بودن او به عبادت و همه حق است و نباید در آن تردید کرد.

به این ترتیب که شهادت می‌دهد او معبودی است که جز او معبودی نیست. پس امری نیست که جای او را بگیرد و خلق را از او بی‌نیاز کند.

روش تبیینی (آیاتی - آفاقی) مورد استفاده قرار می‌گیرد. وقتی متربی به توحید ذاتی خدا اعتقاد داشت و به صفات ذاتی خدا مطمئن بود و فعل خدا را بر زندگیش جاری دید، به عبادت مخلصانه و توحید عبادی او می‌پردازد. عبادت برای این نیست که خدا به کمالی برسد بلکه غرض فایده‌ای است که نصیب انسان می‌شود و کمالی است که انسان به آن می‌رسد. هدف عبادت، اجباری نیست بلکه بندگی توأم با اراده و اختیار است و همین است که انسان را به کمال و قرب الهی نزدیک می‌کند. آثار تربیت اعتقادی توحید عبادی برای متربی این است که؛ هدف از عبادتی که انسان دارد فایده به خود و عبودیت است. عبادت متربی عبادتی است که توأم با اراده و اختیار. این چنین عبادتی درونی و ماندگار است.

ت: توحید تشریحی: به معنای حق هرگونه قانون گذاری و حکم فقط مخصوص خداست. او فقط می‌تواند بندگان را مکلف به انجام برخی از امور کند. «حکم جز برای خدا نیست.» این گزاره «خداشناسی» در بیان توحید تشریحی بیان شده است.

• ... إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ... (سوره یوسف، آیه ۴۰)
فرمان جز برای خدا نیست.
• ... مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا (سوره کهف، آیه ۲۶)

تربیت اعتقادی که در رابطه با توحید ذاتی، وجود دارد این است که؛ در قرآن بارها از یکپارچگی و واحد بودن جهان طبیعت یاد شده است؛ و به تبع واحد بودن جهان طبیعت و نام آن به جهان اکبر و انسان به جهان اصغر. یاد شده و می‌توان انسان را بطور عام و متربی را بطور خاص نمونه‌ای از جهان هستی در نظر گرفت و او را دارای طبیعتی یکپارچه دانست و این یکپارچگی طبیعت خود را مدیون خدای خویش می‌داند و با احساس وجود شاهکار خدا درنظم درونی خود به توحید ذاتی خداوند پی خواهد برد.

ب- توحید صفاتی: وقتی ذات خداوند یکی است و از یکپارچگی خاصی برخوردار است. مطمئناً صفاتی وجود دارد که تأییدکننده و تکمیل‌کننده آن باشد و در قرآن به آن توحید صفاتی می‌گویند؛ «خداوند در صفات، یگانه است، صفات خدا عین ذات خداوند است.» این دو گزاره مبنای مهم «خداشناسی» در توحید صفاتی است.

• يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (سوره فاطر، آیه ۱۵)

ای مردم، شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است. توحید صفاتی در نهج البلاغه

حضرت علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه می‌فرماید: کمال توحید، شهادت بر یگانگی خدا، اخلاص و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است؛ زیرا هر صفتی نشان می‌دهد که غیر از موصوف و هر موصوفی گواهی می‌دهد که غیر از صفت است. پس کسی که خدا را با صفت مخلوقات تعریف کند، او را به چیزی نزدیک کرده و با نزدیک کردن خدا به چیزی دو خدا، مطرح شده و با طرح شدن دو خدا، اجزایی برای او تصور نموده و با تصور اجزا برای خدا، او را نشناخته است.» (۱)

توحید صفاتی با روش های تبیینی، پرسشی (انفسی)، تاریخی، پرسشی (آیاتی - آفاقی)، آیاتی (آفاقی - انفسی) جدال احسن، به آن پرداخته شده است و برخی شواهد و مستندات قرآنی آن هم آورده شده است. «صفات الهی مصادیق جداگانه‌ای از یکدیگر و از ذات الهی ندارند» اینها مفاهیمی هستند که عقل از مصداق واحد بسطی که همان ذات مقدس الهی است، انتزاع می‌کند. اعتقاد به توحید صفاتی یعنی متصف شدن به صفات و فضایل اخلاقی نیکو و انسانی است. چه زیباست متربی تمام این صفات الهی را با جان خود، باور کند و حضور او را در اعمال و نیات خود احساس نماید، آن وقت امکان ندارد از جاده بندگی خارج شود و دست به طغیان بزند. همانطور که در بالا متذکر شدیم توحید صفاتی به صفات و فضایل اخلاقی نیکو اشاره دارد و مقدمه‌ای است برای افعال باری تعالی که در قرآن به توحید افعالی اشاره دارد.

پ: توحید افعالی: توحید افعالی توحید در (۱) خالقیت یعنی باور به اینکه هر چیزی در جهان آفریده شده است مخلوق خداست. (۲) ربوبیت یعنی خداوند تدبیر کننده و نظم دهنده جهان و همه موجودات آن است. «خالقیت و تدبیر از هم جدا نیستند» «خداوند پروردگار تمام هستی است»، «خداوند خالق تمام هستی است.» بر مبنای «خداشناسی» است.

• اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (سوره زمر، آیه ۶۲)

خدا آفریدگار هر چیزی است و اوست که بر هر چیز نگهبان است.

در قرآن مجید، خداوند، آفریدگار و خالق تمامی امور معرفی شده است. همچنین در آیات بی‌شماری به خالقیت و آفریدگار تمام هستی بودن اشاره دارند.

• لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۗ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (سوره انبیاء، آیه ۲۲)

• فَادْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَاكْفُرُوا (سوره بقره، آیه ۱۵۲)

پس مرا یاد کنید، [تا] شما را یاد کنم؛ و شکرانه‌ام را به جای آرید؛ و با من ناسیاسی نکنید.

«جمله مرا یاد کنید تا شمارا یاد کنم به یک مفهوم عاطفی میان خدا و بندگان اشاره نمی کند، آن گونه که در میان انسانهاست که به هم می گویند: به یاد ما باشید تا به یاد شما باشیم. بلکه اشاره به یک اصل تربیتی است یعنی به یاد ذات یاقی که سر چشمه تمام خوبی ها و نیکی هاست، باشید و به این وسیله، روح و جان خود را پاک و روشن سازید.» (۱۰)

زیرا خدا از درون و فطرت به بنده خویش انس و الفت دارد و هرچه روح مرتبی یک تر باشد به خدای درونی خویش نزدیک تر است و هرچه نزدیکی به خالق خویش بیشتر باشد محبت خدا به او بیشتر خواهد بود؛ و این خود مبنایی برای تربیت اعتقادی توحیدی است.

بنابراین برقراری ارتباط با خدا و فراهم آوردن زمینه ذکر و یاد خدا، ایجاد انس و علاقه به خدا و حفظ ارتباط و انس با او می شود و این الفت نه فقط در زمان ضرورت و نیاز بلکه در زمان نزول نعمت بر اعمال و رفتار مرتبی آشکار است.

۴- روش های نهی از معاشرت با منکران خدا:

بطور کلی می توان گفت دلایلی بر عدم وجود خدا، اقامه نشده است و آنچه انکار کنندگان وجود خدا مطرح می کنند، دلایل اثبات وجود اوست. قرآن مجید، معاشرت با منکران و تمسخر کنندگان آیات الهی و اصول عقاید (توحید، نبوت و معاد) را نهی کرده است و دستور به روی گردانی از آنان داده است. به ویژه انکار کنندگان وجود خدا که حقانیت وجود خداوند را انکار می کنند. «انسان موجودی تأثیرگذار و تأثیرپذیر». این گزاره «انسان شناسی» تأثیر پذیری و تأثیر گذاری ظاهر و باطن انسانها را بر یکدیگر از شواهد قرآن مجید گرفته اند.

• اَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۗ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلُوبًا سَمْعُهَا ۗ اَمْ تَنْبِئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْاَرْضِ اَمْ بظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ ۗ بَلْ زَيْنٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَصَدُّوا عَنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (سوره رعد، آیه ۳۳)

آیا کسی که بر هر شخصی بدانچه کرده است مراقب است مانند کسی است که از همه جا بی خبر است؟ و برای خدا شریکانی قرار دادند. بگو: «نامشان را ببرید» آیا او را به آنچه در زمین است و او نمی داند خبر می دهید، یا سخنی سطحی و میان تهی می گویند؟ چنین نیست بلکه برای کسانی که کافر شده اند نیرنگشان آراسته شده و از راه حق بازداشته شده اند و هر که را خدا بی راه گذارد رهبری نخواهد داشت.

در برخی از آیات قرآن مجید، خداوند به معرفی انکار کنندگان خدا و نشانه های حقانیت خدا، می پردازد

• وَقَدْ اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۗ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا اِلَّا الْاَفْسَاقُونَ (سوره بقره، آیه ۹۹)

و همانا بر تو آیاتی روشن فرو فرستادیم و جز فاسقان کسی آنها را انکار نمی کند.

«هر انسان پاکدلی به حقانیت آیات روشن قرآن پی برده و ایمان می آورد. فقط فاسقان که از فطرت خدایی منحرف شده اند، همواره به آن کفر می ورزند.

بنا براین علت کافر بودن آن ها، فسق شان است که موجب شده از راه بندگی خدا خارج شوند. (۱۰)

روش های تبیینی و خطابی و مستندات قرآنی مبنی بر نهی از معاشرت با منکران خدا بر این استوار است. قرآن مجید اساس هدایت و تربیت را مبنی بر باید ها و نبایدها می داند و آثار تربیتی اعتقادی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در محیط های مختلف و از راههای گوناگون و از طریق افراد متفاوتی صورت می گیرد. از

برای آنان یآوری جز او نیست و هیچ کس را در فرمانروایی خود شریک نمی گیرد.

از این گونه آیات، روشن می شود که حکم، امر و نهی، قانون و تشریح، فقط و فقط بر عهده خداست و هیچ کس، حق قانونگذاری و امر و نهی ندارد. خدا بزودی آیاتی در آفاق (خارج از وجود انسان) و انفس در نفس خودشان (داخل وجود انسان) نشان می دهد تا برای همه روشن گردد که قرآن، حق است.

توحید تشریحی با روش های تاریخی انفسی و تبیینی آفاقی - لمی و روش گفتگویی به منظور روشن نمودن جایگاه خداوند در تشریح و قانون گذاری است که از قرآن مجید گرفته شده است.

تربیت اعتقادی متریبان از توحید تشریحی این خواهد بود که؛ تنها قانونگذار این جهان خداوند یگناست. اوست که قادر به اداره جامعه و باعث سعادت مند کردن آن می شود. مرتبی درمی یابد که تمامی دستورات و احکام الهی حق است و باطل در آن راه ندارد. با گفتگو کردن و چرایی با هموعان خود به تأیید این می پردازند که خداوند تنها حاکم مطلق و قانونگذار تمام جهان و موجودات است.

۳- روش های ارتباط و انس با خدا

با کمی تأمل و دقت در آیات قرآن مجید، در می یابیم که ارتباط و مانوس شدن خداوند با مخلوقاتش هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم، امکان پذیر است. در برخی از آیات قرآن مجید، امکان برقراری ارتباط مستقیم و بی واسطه با خداوند خواندن نام خدا و ذکر و یاد اوست، تعریف شده است و در مواردی با متوسل شدن به انبیاء و ائمه ارتباط غیرمستقیم است.

همانا، بهترین وسیله ای که انسانها می توانند با آن به خدای سبحان نزدیک شوند ایمان به خدا و پیامبر (ص) و جهاد در راه خدا، بر یا داشتن نماز و پرداخت زکات، روزه ماه مبارک رمضان، حج و عمره، صله رحم و صدقه های ینهانی و صدقه های آشکار و کار های نیک است. «خدا به ما نزدیک است.» این گزاره بر مبنای «خداشناسی» استوار است.

• قَالَ لَا تَخَافَا ۙ اِنِّي مَعَكُمْ اَسْمَعُ وَاَرَى ۙ (سوره طه، آیه ۴۶)

فرمود: «مترسید، من همراه شمایم، می شنوم و می بینم.

«خداوند فرمودند (به موسی و هارون) ترسید، همانا من با شما هستم (و همه چیز را) می شنوم و می بینم.» (۵)

که با روشهای خطابی و تبیینی (آیاتی - انفسی) در قرآن مجید بیان شده است. یکی از عالی ترین مصداق ارتباط با خدا در ذکر و یاد خدا و دعا و نیایش الهی نمایان شده است. راههای ارتباط و انس با خدا بسیار است؛ بر یا داشتن نماز و پرداخت زکات، روزه ماه مبارک رمضان، حج و عمره، صله رحم و صدقه های ینهانی و صدقه های آشکار و کارهای نیک. می توان از همین راههای گوناگون برای تربیت اعتقادی توحید باوری کمک گرفت تا مرتبی در زمانها و حالتی مختلف روحی و روانی خود را به خدا نزدیک ببیند.

-ارتباط و انس با خدا زمینه ساز جلب محبت الهی: واضح و میرهن است که هرچه زمینه برقراری ارتباط خدا بیشتر فراهم شود و هدف انسان از ارتباط با خدا قرب الی الله باشد محبت الهی به بنده و مخلوق خود بیشتر می شود و موجبات انس و علاقه به خدا در انسان تقویت می شود. مرتبی با خدای خویش ارتباط برقرار میکند و زمینه ساز جلب محبت الهی می شود. هرچه به خدا نزدیکتر شویم آرامشمان بیشتر خواهد شد. هرگاه دیدی خداوند، تو را با یاد خودش مانوس و علاقمند کرده است، بدان که تو را دوست دارد. ارتباط و انس با خدا مبنای «خداشناسی» دارد.

امیر المومنین علی (ع) در این زمینه می فرماید:

• اِدْوَابُ رَايَتِ اللّٰهِ يُوسِكُ بَذِكْرِهٖ فَقَدْ اَحْبَبَكَ

یعنی: هرگاه دیدی خداوند، تو را با یاد خدا خودش مانوس و علاقمند کرده است، بدان که تو را دوست دارد. (۱۳)

References

1. Nahj al-Balaghah, (2003), (Mohammad Dashti, translator), 13th edition, Qom: Amir Al-Mounin Cultural Research Institute.
2. Mohammad Rey Shahri, Mohammad, (1998), Mizan al-Hikma, (Hamid Reza Sheikh, translator), second edition, Qom: Dar al-Hadith Publications.
3. Mashai, Venus; (2007), Methodology of the belief system in the Qur'an, "Unpublished doctoral dissertation", Qom: Qom University.
4. Ghaffari, Hossein, (1359), Answers to school questions, Tehran: Hekmatfayz Kashani, Mullah Mohsen, (1415 AH), Tafsir al-Safi, second edition, third volume, Tehran: Sadr.
5. Qaraati, Mohsen, (2004), Tafsir Noor (10 volumes), Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran.
6. Motahari, Morteza, (1998), Collection of Works, Volume 4, Tehran: Sadra.
7. Javadi Amoli, Abdullah, (2010), Nature in the Mirror of the Quran, Journal of Religious Anthropology, Volume 7, Number 23, pp. 28-5.
8. Klini, Mohammad Ibn Ya'qub, (Ibn Ja'far), (1369), Sufficient Principles, (Javad Mostafavi, translator), Volume One, Tehran: Islamic Theology.
9. Javadi Amoli, Abdullah, (2016), Tawhid in the Quran, Qom: Esra'.
10. Tabatabai (Allama), Mohammad Hussein; Makarem Shirazi, Nasser, (2007), Summary of the interpretations of the Holy Quran (Al-Mizan, sample), research and summary, Abbas Poursif, second edition, Tehran: Shahed Publishing. (Martyr Foundation and Veterans Affairs).
11. Sobhani Tabrizi, Jafar, (1998), The Image of a Perfect Man, Qom: Islamic Propaganda Office.
12. Javadi Amoli, Abdullah, (2016), Thematic Interpretation of the Qur'an, Seventh Edition, Volume 12, (Nature in the Qur'an), Qom: Esra'.
13. Mohammadi Rey Shahri, Mohammad, (2012), Encyclopedia of Quran and Hadith, Volume Five, Qom: Dar al-Hadith Cultural Institute.
14. The Holy Quran, (1997) (1418 AH), (Mohammad Mehdi Fooladvand, translator), third edition, Tehran: Office of History and Islamic Studies.

قبیل خانواده، اجتماع، مریبان و معلّمان، دوستان و هم نشینان و کسانی که با آنها معاشرت می کنیم. تعامل و معاشرت با منکران خدا می تواند آثار سوء تربیتی و عقیدتی برای متریبان به همراه داشته باشد. متریبی فردی در حال رشد است و در حال شکل گیری شخصیتی. متریبی در این شرایط از دیگران تأثیر می پذیرد لذا لازم است از معاشرت با افراد نالایق با او جلوگیری بعمل بیاوریم و قرآن مجید شیوه ها و راههایی را برای به تصویر کشیدن عواقب نشستن با ناهل را به متریبان بیان نموده است و از طرفی مریبی هم با استناد به این سوره ها و آیات می تواند متریبان را آگاه سازد تا مریبان پیام رسان روشهای شناخت و باورمندی توحید باشند و متریبی مرید و اجرا کننده این پیامها تا زندگی مبتنی بر سعادت دنیوی و اخروی داشته باشند.

نتیجه گیری

در این پژوهش به روش های تربیت اعتقادی شناخت و باورمندی سازی توحید بر اساس مبانی فلسفی پرداخته شد. برای هر کدام از موضوعات، مبانی فلسفی و روشهای آنها بیان گردید. سپس براساس هر کدام از مبانی، آثار تربیت اعتقادی برای آنها مشخص شد. بدین ترتیب که؛ در رابطه با اثبات وجود خدا با مبانی انسان دارای فطرت الهی است، با روش بیدار نمودن فطرت و طرح سؤال به حکم فطرت با شواهد قرآنی به آثار تربیت اعتقادی خداگرایی و خداشناسی فطری متریبی دست یافتیم. متریبی با نور فطرت خود را از آلودگیها و ناپاکی دور کرد؛ و با شواهد قرآنی نیز بر مبانی فلسفی «خداوند بی نیاز و انسان نیازمند است» متریبی دریافت که او نباید بی نیازی مطلق خدا و نیازمندی محض خود را در برابر خواست و اراده خدا دست کم بگیرد و بر مبنای «انسان چون خود را بی نیاز بیند، طغیان می کند» متریبی نباید فقط خداوند را در زمانهای ناگواری و خطر صدا بزند و ویژگی فراموشکاری را در حین ناگواری داشته باشد و دست به طغیان بزند؛ زیرا متریبی می داند خداوند، خالق و مدبر و بی نیاز از اوست. در قسمت بعدی و دلیل و اثبات وجود خدا به راههای فلسفی پرداخته شد و برهان سینوی به دو صورت بی نیازی مطلق خدا و نیازمندی و فقیر بودن انسان در حادث و قدیم خبر می دهد و در واقع اینها استدلال هایی هستند در جهت وابستگی ممکنات به وجودی که قائم بالذات است. با بهره گیری از روش های تبیین توحیدی و مراتب آن دریافتیم که خدا یکی است و متریبی با احساس تعهد به وجود فطری درونی خود به کمال اخلاص رسیده و به فضایل اخلاقی نیکو و پسندیده مزین شده و فعل خدا را در توحید عملی و تسلیم به امر او یا به عبارت دیگر توحید را در عبادت خود جاری می بیند و نتیجه عبادتی می شود توأم با اراده و اختیار. وقتی اعتقادی توحیدی متریبی به مرحله عمل و اراده تبدیل شد فرمانی جز فرمان خدا را نمی پذیرد و حکم و امر و نهی را مختص خدا می داند. با خدای خویش ارتباط و محبت درونی برقرار می کند و مبنای این ارتباط را خداشناسی می داند و در می یابد هر چه روح او پاک تر باشد به خدای خویش نزدیکتر بوده و در این نزدیکی با خدا آرامش می گیرد؛ و در این آرامش به اصلاح و بهبود زندگی خود می پردازد؛ و لازمه یاد خدا را همیشگی می داند.

بنابراین متریبی خدا را نه تنها در زمان ضرورت و نیاز بلکه در زمان نزول نعمت هم درک می کند. با تأثیرپذیری و تأثیرگذاری در محیطهای مختلف؛ در اجتماع، بین خانواده و دوستان از بینش الهی خود در جهت نشست و برخاست با افراد لایق و شایسته استفاده می کند؛ زیرا از آیات و شواهد قرآنی دریافت شده است که معاشرت با افراد ناهل آثار سوء تربیتی و عقیدتی دارد. متریبی درمی یابد که قرآن مجید یک مکتب انسان ساز و هدفمند در جهت سعادت دنیوی و اخروی است.